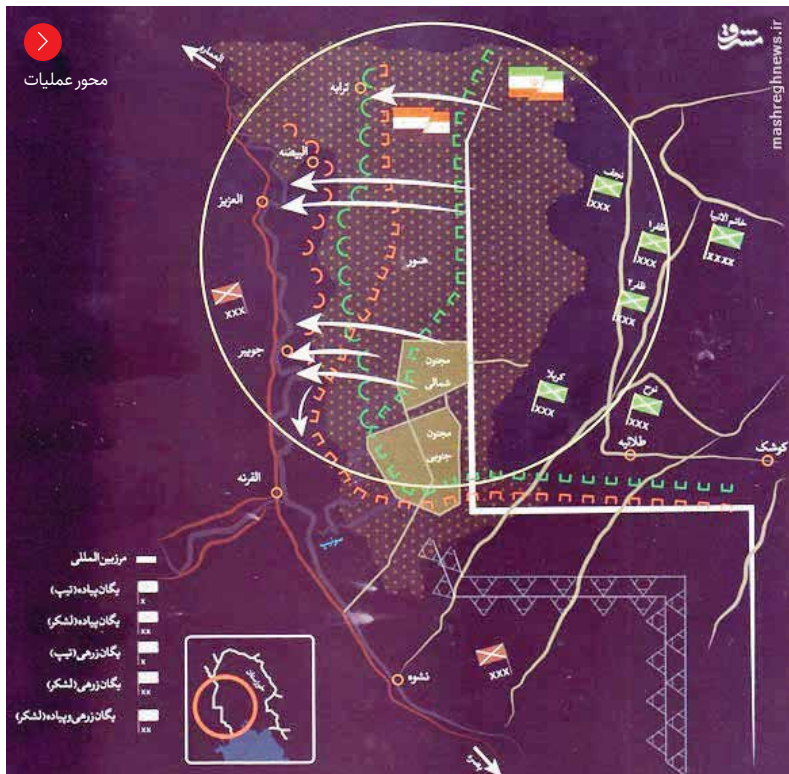


نگاهی به عملیات بدر ستاره‌های بدر درخشیدند

جنگ یک معادله ناچونمردانه است، شلیک گلوله از دهان سردیک سلاح خشن می تواند معادلات یک سرزمین را دچار تغییر و دگرگونی کند، از همین رو وقتی درست در سال‌های ابتدایی انقلاب اسلامی، اولین گلوله از سوی عراق به سمت تمامیت مرزهای ایران شلیک شد، جنگی سخت، طولانی و نابرابر انتظار اهالی این سرزمین را می کشید. جنگی که با عملیات‌های پی در پی همراه بود، عملیات‌های نیروهای مختلف ارتش، بسیج و سپاه علیه مواضع دشمن یعنی رهاورد‌های گوناگونی را به دنبال داشت، کنار همه شکست‌ها و پیروزی‌های ایران جوانانی سربلند ایستادند تا این سرزمین بماند. عملیات بدر از همان عملیات‌هایی است که اسفند ۶۳ را لاله گون کرد.



را از دست داد و پهلوان‌هایی مثل شهید سعید طوقانی و مرشد عباس دائم‌الحضور در آنجا به فیض شهادت نائل آمدند، این نقطه مرکز ثقل بچه‌های مخلص بسیج با آرزوی همیشگی شان شهادت بود.

سه راه شهادت

بخشی از آبراهی که بچه‌های بسیجی در آن گرفتار شدند و تیرتازش‌های عراقی بی‌امان آنجا را می‌زدند به سه راه شهادت معروف بود البته تمام منطقه بدر شهادت‌خیز بود تا جایی که شهید مهدی باکری در آنجا چهره‌ای سخت از جنگ به زرمند‌ها نشان داد. شهید صیاد شیرازی در توصیف این عملیات می‌گوید: شرایط بسیار سختی بود. خطر این می‌رفت که ۲۰ هزار اسیر بدهیم. یگان‌ها یکی پشت دیگری منهدم می‌شد فرماندهی دیدم که با انهدام نیروهایش، لحظه به لحظه لاغرتر و موهایش سفید می‌شد.

رفتند تا ایران بماند

عراق در بدر بارها از بمب شیمیایی استفاده کرد و صدام رسماً اعلام کرد می‌خواهد شهرهای ایران را بزند در نتیجه مباران شهری حتی به تهران هم رسید. شهدای بدر درست مثل ستاره‌هایی بودند که در آسمان ایران درخشیدند تا امروز با بهره‌گیری از توان و تجربه آن روزها ایران پایدار بماند.



تیپ سیدالشهدا (ع) حساب شد اما آنها در شب عملیات پای کار نیامدند. اختلاف در عملیات بدر به همین جا ختم نشد، ارتش که در طول جنگ با سپاه هماهنگ بود به اختلاف و چالش با آنها برخورد، شهید سپهبد علی صیادشیرازی که نماینده ارتش برای هماهنگی با سپاه بود از پشتیبانی نشدن کامل این عملیات از سمت هاشمی رفسنجانی گلایه کرد و با هدف حل اختلاف این موضوع را با رضایی در میان گذاشت، عملیات البته با توجه به این شرایط با وقفه روبرو شد.

بدر، عملیاتی جان‌سوز

قرار بود طبق نقشه زرمند‌ها به جاده العماره- بصره برسند، اگر این کار آنطور که حساب شده بود با ضربت و شدت پیش می‌رفت قطعاً معادلات طور دیگری می‌شد، عملیات در ۲۳ اسفند ۶۳ با رمزی فاطمه‌الزهری (س) شروع شد، از همان ابتدا مشکلات بسیاری به وجود آمد. به رغم اینکه در بعضی از محورها خط ساده شکسته شد اما کمبود قایق و محاسبه نادرست عمق آب دجله باعث شد عملیات آنطور که باید پیش نرود و بسیاری از نیروها به شهادت برسند، شاید کمتر کسی بداند گردان میثم، که به تعبیر سیدابوالفضل کاظمی گردان یل‌ها و داش مشت‌ها بود در همان عملیات نیروهای بسیاری



شهید سپهبد علی صیادشیرازی که نماینده ارتش برای هماهنگی با سپاه بود از پشتیبانی نشدن کامل این عملیات از سمت هاشمی رفسنجانی گلایه کرد و با هدف حل اختلاف این موضوع را با رضایی در میان گذاشت



موجود و به تعبیر نظامی‌ها عده و غده ندارد سپاه در موضع ضعف قرار گرفت. این موضوع منجر به تضعیف داخلی نیرو نیز شد و مطابق نظرورای فرماندهان و بزرگان، روی لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله (ص) و

اسناد تاریخ شفاهی و همچنین در برخی از اسناد مکتوب آمده‌از فرماندهان خواسته بود تا یک عملیات پیروزمندانه انجام دهند و جنگ را همان‌جا پایان بدهند، او در آن شرایط اعتقاد داشت جهان آماده است تا کناره‌گیری صدام را بپذیرد، او البته این اعتقاد را هم داشت که باید عملیاتی موفق‌تر از خیبرانجام شود. در این شرایط فرماندهانی مانند محسن رضایی هم اعتقاد داشت که توقف در جنگ به معنای فرورفتن در منجلاب است، به دلیل پاره‌ای از اختلافات نظیر اعتقاد برخی از فرماندهان به اینکه سپاه امکان جنگ ندارد و محسن رضایی به عنوان فرمانده سپاه برآورد مدیریتی صحیحی از وضعیت

رمزگشایی سی و چندساله دهه‌های مختلفی از جنگ تحمیلی می‌گذرد، سال‌های جنگ هرچند در تحریم و دشواری سپری شد و برخی از عملیات‌ها بارها مورد بازخوانی قرار گرفت؛ اما برخی دیگر با وجود ابعاد مهم کمتر بازخوانی شد، در ماه‌های پایانی سال ۶۳، جنگ به لحاظ سیاسی و نظامی به بن‌بست‌های بزرگی رسیده بود، فشارهای سیاسی از یکسور بر کشور وارد می‌شد و از سوی دیگر زرمند‌ها در جبهه نظامی، حرکت قابل توجهی نکرده بودند، این توقف و سکون آسیب جدی برای جنگ نظامی به حساب می‌آمد. فرمانده عالی جنگ؛ حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی آنطور که در